روزنه آبی

به دنبال رویا

کیوان هنرمند
آهنگساز «روی دیگر»

■ همیشه رویاهای کمال‌گرا داشته‌ام همیشه بهترین‌ها را خواسته‌ام و به‌علت شرایط نه چندان آسان زندگی‌ام یادگرفته‌ام برای رسیدن به هدف، باید تلاش کرد و گاهی برخداری بسیار آسان‌تر.

در جریان فیلم گلوخوری با آقای «بهرام رادان» آشنا شدم. جوانی که جسارتی نیاز داشت. هدف‌هایی بزرگ و هوش فراوان از همان روزها (حدود ۱۰ سال پیش) کم کم ارزوهایمان را به اشتراک گذاشتیم و دو سال طول کشید تا تصمیمی بزرگ بگیرم. رویاهایمان را جدی نگیرم و روشی برای بیان افکارمان پیدا کنیم. از ابتدا شرط کردیم تنها کاری انجام دهیم که با تمام وجود به آن اعتقاد داشته باشیم. مدتها به روش و شکل اجرای خواسته‌هایمان فکر کردیم. اجرای یک اجرای ساده موزیکال؟ اجرای کنسرتی متفاوت از موسیقی؟ و دست آخر به این نتیجه رسیدیم که رابطه موسیقی خیلی خوشمان را پیدا کنیم و با مردم به اشتراک بگذاریم. گپ و زدوبند و الگوهایمان را برای هوش‌ترکه دادیم و در طول این راه، یک به یک موسیقی‌های مشترکمان خلق می‌شدند. چهار سال گذشت و حدود ۳۰ قطعه موسیقی ساخته شد. تا تازه زمان در کنار زندگی روزمره به این آلبوم اجرا نداماییم. جمع و جور و اجرا کنیم.

از آن روز دنیای دیگری به جمع دو نفره ما اضافه شد. آقایان علی بابلز، رامین بهنا و هومن حویدیه که هر کدام بخشی از کار را به‌عهده گرفتند. بهاره کیان‌افشار شعرهای زیبایی را برای ما سروده بودند که تعداد زیادی از کارها بر پایه اشعار ایشان ساخته شده بود و بعد اندیشه فولادتوند. دگرباره روح جسارت را در کالبد گروه دمید.

اکنون دو سال از زمانی که می‌وقفه روی آرزوهایم کار می‌کنم گذشته و با نگاه به پشت سر، روزهای بسیار خوبی را می‌بینم. بهرام با توان بالای خود و با روحیه زنده، آمرزی بسیار زیادی را به هدف داد. در هفته مواردا از انتخاب شعر، انتخاب فرم موسیقی، انتخاب سازها شکل اجرا و میکس حضور داشت. با هم بحث می‌کردیم، با موسیقی می‌خوابیدیم و بیدار می‌شدیم. بهرام به‌عنوان تهیه‌کننده بهترین همکاری را داشت و هر خواسته‌ای برایم فراهم بود و بعضوان خواننده با چنین صدایی که بسیار در جستوجویش بودم، با پشتکاری ستودنی، تمرین‌ها را انجام می‌داد و با رسیدن به یک کار، روحیاتی جدید تر و خواستنی عمیق‌تر را در وجودش می‌یافتم که همه. تکیه‌گاهی برایم بودند. با رادان دوستان دیگری از جمله آقایان سام مشاور، علی اوجی، آریا عظیمی‌نژاد، هومن سیدی، پیمان معادی، رضا یزدانی، رضا بهرامی‌نژاد، شهاب اکبری و مهتم میرزایی به جمع ما اضافه شدند که هرکدام به دلشان‌های ما اضافه کردند و حالا کار تمام شده‌است. هدفی که در روبا دنبالش می‌گشتم در دستانم قرارگرفته و از آنچه که گذشته، خشنودم. روی دیگر، شرح افکار و وقایع مختلف زندگی من و بهرام است که آسانی رنجور، گاهی خشنود و گاهی عصبانی و گاهی امیدوار به آینده. فرم موسیقی در ترانه‌های مختلف گوناگون و براساس احساس ما بوده است. دوست ندارم طبقه‌بندی انجام دهم اما تنها گونه‌ای که روی دیگر را می‌تواند در قالب خود جای دهد، فرم موسیقی «مدام رشد یافته» (adult contemporary) است. فرمی که در موسیقی رایج دنیا بسیار و پویا دیده می‌شود. فرمی که به تنهایی در قالب‌های موسیقی خشن (Rock) یا موسیقی مدرن (Pop)... نمی‌گنجد اما مشترکات فراوانی با آنها دارد. علاقه من به موسیقی‌هایی مانند Mick Jagger, Sting, Billy Joel و Peter Gabriel و Peter Gabriel است و سوهای مختلفی به ترانه‌ها داد که شاید کمتر تجربه آن را در گذشته داشته‌ایم. نوع استفاده از صدای سازها صدای بهرام و میکس نتوع زیادی را در ترانه‌هایمان ایجاد کرد که خوشبختانه برای مخاطبان زیادی خوشایند بوده. فرمی از صدا که شاید تاکنون تجربه کسی از آن را در موسیقی ایران نداشته‌ایم. نوعی از اجرای آواز که بجای تکنیک و تحریر (vibration)، به تعبیرات دینامیکی صدا تاکید دارد. صدای آقای رادان در محدوده F#4 تا F2 در گروه باس باریتون طبقه‌بندی می‌شود (تا D2 را هم می‌توانند اجرا کنند) کنترل دینامیک صدا در ایشان بسیار بالاست. اجرای‌های نرم و قوی صدا به راحتی در کنار هم اجرا می‌شوند و فرمی جذاب را در موسیقی ایجاد می‌کند. تعداد زیادی از مخاطبان جدی موسیقی در ایران، مشتاقه از موسیقی مردمی در داخل کشور دلسرد شده‌اند. و انتشار آلبوم‌های جدید و انتقال‌های موسیقی مردمی را برای ایران دنبال نمی‌کنند. همین‌طور، تعداد زیادی از ایرانیان مقیم خارج از کشور، فرزندانی از ایران را شامل می‌شوند که به موسیقی فارسی زبان علاقه‌مند نیستند اما خوشبخته به این همت بدست همه هنرهای که از انتشار «روی دیگر» هستم. تمامی‌های دلگرم‌کننده زیادی داشته‌اند که کمال کم‌بخش کوچکی از توجه این گروه خلوص به «روی دیگر» است. امکان ارتباط‌های سایبری با مخاطب از نقاط مختلف، تجربه بسیار هیجان انگیزی بود که بعد از انتشار «روی دیگر» برایم اتفاق افتاد.

خوشبختانه تا حالا «روی دیگر» برای شنوندگان جذاب بوده‌اند و به هر حال منتقدی هم داشته است. میل به شنیدن و ارائه تجربه‌های جدید همیشه برایم نیازی درونی بوده است. گروهی از شنوندگان که از تجربه‌های نو استقبال می‌کنند خوشبختانه کم نیستند. احساس نیاز به شنیدن ترکیب‌های صدایی و ساختاری باعث تولد فرم‌های نو و موسیقی‌ایی برای خواهد شد. تا این عطش وجود نداشته باشد، چنین تغییراتی رخ نخواهد داد. «روی دیگر» سعی کرده بر زمین از عدم استقبال مخاطب دلیلی برای خواستسوری نباشد یا انتظار از اداره ارزشیابی موسیقی به خوشبخته به اطلاعات کرد و در نهایت تصمیمی گرفتایم که عملی به آن اعمال داشته‌ایم؛ احترام به شعور خود و شنونده. روی دیگر، ترکیبی از خواگاه و ناخودآگاه و فهم من از زندگی است.

گفت‌وگو با بهرام رادان

همیشه امکان اشتباه هست

«روی دیگر» بهرام رادان فرار است چه چیزی را به ما نشان دهد؟ حس می‌کنی نسبت به این آلبوم چیست؟

حسم نسبت به این آلبوم بیان علایق و دلمشغولی‌هایم بود با زبان موسیقی. در تمام مدتی که روی آلبوم کار می‌کردیم انتظار داشتیم ایدنای انتشار با یک هجمه ریویو شویم. اساساً برای آدمی که در حرفه دیگری مشهور است یا دارد داخل سرزمین حرفه دیگری می‌گذارد، اولین یا یک جیغ‌کیری مواجه می‌شود با بیش‌فرض‌های گوناگون. به‌خصوص که این آلبوم یک نوبت موسیقی خالصه نیست. یعنی چنین نیتی نداشته‌ام از اول تبدل مخاطب محصوص به خود بوده. برخی‌ها گوش دادند و دوست داشتند و بعضی شعرهایشان را حفظ شدند و عده‌ای هم اصلاً نشنیدند و بعضی دیگر، به نوع ترک گوش دادند و نظرشان را فوراً اعلام کردند.

ارتباط برقرار نکردند؟

بله. خب سلیقه‌ها متفاوتند. در ضمن این آلبوم، آلبومی نیست که بتوان از آن در جمع گوش کرد. نیتش ارتباط تک‌به‌تک با مخاطب است. از طیف طیف گسترده‌ای از ژانرها دارد می‌گیرد.

چرا این همه نتوع؟

این هم نوعی از بیان است در سینما هم این گونه هست. ما فیلم‌هایی را می‌بینیم که علیه گسترده‌ای از ژانر را درمی‌گیرند. مثلا در یک فیلکتن در خیلی از فیلم‌ها مثلاً تارانتینو این تناقض در ژانرها اتحاد داماییم. جمع و جور و اجرا کنیم.

عقل؟

یعنی نکته‌ای بگویند که بر سواد من و گروهی که این آلبوم را کار کردند بیفزاید یا اینکه ما جا خوبیم و بکوییم عجب مسائلی را فرض کردیم و چه اشتباهی انجام دادیم و چه گافی نداریم. هر کدام از این اظهارات مبتنی بر سلیقه است و احساس به یک کانتی عقلی ما هم باید یک جوری باشد. یک جوری باشد. چطور شنوید. هر سوالی، هر نکته‌ای که میهم است را ما جواب می‌دهیم اگر از بعد موسیقی محض این آلبوم اینست.

باید زمان بگذرد ولی احتمالش هست که بی‌دلیل از کنار آلبوم‌تان بگذرند؟

این خیلی بد است. کل گروه از این نکته خوشحالند که کسی بی‌تفاوت از کنار آلبوم نمی‌گذرد، یا طرفدارید یا مخالف. ولی هر طیف و سلیقه محترم است البته نتایج ۵درصد کارمان با انتشار کلیپ‌هایمان نمایان می‌شود.

ولی انتشار آلبوم‌تان خیلی طول کشید

مشکل بخش‌مان بود. ما کل مدتی که منتظر دریافت مجوزمان شدیم تلنسان پارسل بود و پایبر آماده انتشار بودیم. فقط می‌خواستیم بهترین راهنمایه باشیم.

این وسواس مثلا برای داشتن بهترین بخش و... باعث نشد که یک مقدار هم چیز کند بشود؟

واقعاً دست من نبود برای من زمان ایدهآل برای پخش آلبوم هفته آخر بهمن بود. من سرما را برای آلبوم‌ام دوست داشتم به نظرم هوا در علایق ریویو و اسلن تاثیر دارد. کنسرت رفتن، فیلم دیدن، غذا خوردن، موسیقی‌ای گوش دادن. کتاب خواندن و... تاثیر دارد و من این سرما را برای کارم لازم داشتم. این یک عقیده شخصی است. حسم این است در جفحه‌ای آب و هوا بر تعلیلات مردم تاثیر می‌گذارد. به هرحال، بقیه کارها که برای پخش شد، بر عهده شرکت بود اما برای فصلش علاقه‌ام به سرما بود که نشد. آدم‌ها در سرما بیشتر دوست دارند دهنوش خود را در گوش‌شان بگذارند و در تنهایی خودشان موسیقی گوش کنند. هرچند نظر بیشتر حس شخصی است.

یعنی موسیقی این آلبوم موسیقی تنهایی است؟

موسیقی‌ای است که بیشتر با فرد ارتباط برقرار می‌کند تا جمع

ارائه آلبوم با این شناسه‌ها و انتظار برای برقراری ارتباط، هدف بزرگی‌است؟

هدف بزرگ داشتن جزو کلات مثبت کارمان بود ما می‌خواستیم ببینیم علاقه سلیقه و توانایی‌هایمان چیست و براساس آن بطرف هدفمان برویم.

علاقه با ترنسیب و زست؟ اینکه بگذار یک کار مهم انجام دهم سلامت پایین نیاید و...

آن‌این جوری کلم کنم که فکر کنی. کل سطحم را پایین می‌آورد یک ارتباط آن پایین می‌آید و یک جزیی از زندگی است. فکر می‌کنم رسک‌پذیری علاقاته به زندگی طولت می‌دهد و گونه باید حاله ماند و هیچ کاری نکرد.

این سطح برای شما در بازیگری به وجود آمده است. ولی شما در «کافوخوش» و «سنوری» یا «کیلاه» بازی می‌کنید

در هر مؤقعیتی سعی کردم بهترین انتخاب را داشته باشم به عنوان مثال می‌گویم آقای رخنام و فیلم ناموفق را بازی کردم‌اهم نمی‌توانم از اینا عکس آن بوده شما در لحظه انتخاب می‌کنید هرچند شاید گاهی نرسیدن به هدف خاص را که به فکر وارد سرعت عمل در انتخاب را از شما بگیرد. دو سال گذشته من غیر از چل چوبی» فیلمی کار نکردم.

آن را هم که به دلیل رفع‌لای دستمزد بازی کردید؟

بهجوجه به این دلیل نیز خطره خوبی از کار فقط به دلیل پول زیاد در ذهنم وجود ندارد.

پس به خاطر دوستی بود؟

با آقای «کرمپور» آشنایی متحصری داشتیم. با اول هم که فیلمنامه را خواندم نسبت دوباره که بازنویسی شد. بعد از شش ماه برای دفعه دوم آن را خواندم دوستش داشتم. خیلی با آن ارتباط برقرار کردم.

کیسوفقفوری: «بهرام رادان» این روزها مدام مدگوگو می‌کند و به همراه دوستانش که آلبوم «روی دیگر» را منتشر کرده‌اند بر طبل می‌کوبد تا توجه‌ها را جلب کند. توجه به تجربه‌های که پیش از این هم گریبان همکاران بازیگرش را گرفته بود، تجربه «خوانندگی» و حضور درواقع دیگری را سرزمین «هنر» جدا هنه‌های هم از عرصه این آلبوم گذشته است. استقبال هم آنچنان اطرافیان را شاد کرده که خبر آلبوم هم و همکاری با ممحسن چاوشی و رضا یزدانی را منتشر کردند. «بهرام رادان» بازیگری است که دو سیمرغ جشنواره فیلم فجر و تجربه همکاری با داریوش مهرجویی، رخشان بنی‌اعتماد و بهروز افخمی را در کارنامه‌اش دارد. کارنامه‌ای که خوب و بد را به شکل متنوعی در بر می‌گیرد. در طول گفتوگو درباره مسایل متنوعی صحبت شد. مسایلی که رادان سعی می‌کرد به بازیکی از کنارش عبور کند که به حیطه این حضورش لطمه‌ای نخورد به همین دلیل مسایلی همچون ارزش فیلم‌های مدیریت کردند. فعالیت کنونی معاونت سینمایی، مسایل سیاسی که برایش از اهمیت خاص حتی بیش از دیدن فیلول دارد و مسایل پیش‌آمده در این چند سال گذشته به بایگانی سپرده شد. یکی از نتکه‌هایی که بیش از هرچیز در طول گفتوگو جلب بود، میل به بازگشتی و پیشرفت بود. نکته‌ای که در مقایسه با بازیگران علاقه‌ای به نامدنی نداشت. این مطلب می‌تواند به حرف‌هایی از آن چیزهایی که در این مدت گفته نشده باشد. اینکه هرکسی تصور کند شب بخوابد و صبح بیدار شود تبدیل به یک سوپر استار این است که موسیقی کشور رو به روز به ابتذال بیشتری کشیده خواهد شد.

کسانی در هر جزیی به کمال برسد رهایش می‌کند. ولی سرت می‌خورد به سقفش. یعنی به کمال نمی‌رسد. یک سقوت. میلیون‌ها نفر مؤقع‌تر از تو هستند و تو باید از آخر عمرت متنقول تلاش باشی.

بیینید خود شما حداقل در طول دو سال گذشته روی پرده سینما بودید. ترس اینکه فراموش شوید را نداشتید؟

معروفیت و محبوبیت از آن ثروت‌های همیشگی نیست. من دیدم که بازیگری بتواند به کار بیاید انتخاب شوی. یک زمانی نقش مادرم رکه می‌زدم، پول بول، پول. معروفیت معروفیت معروفیت و... سعی می‌کنی جیبم و تهران ۱۵۰۰ و رانیوم ناکام که انفاقا خیلی هم دوستش دارم.

به نظر می‌آید آدم‌ها و فضایی که در هنگام ساختن فیلم به وجود آمده در این دوست دانستن‌های شما تاثیر دارد. شاید هم تجربه‌های جدید مثلا مرد آب‌ابی برمنه؟

مجموعه همه اینهاست. نمی‌توان تنها از یک منظر نگاه کرد. عوامل طول دوران فیلمبرداری، پشت صحنه‌ها و در پشت صحنه در دوست دانستن فیلم تاثیر می‌گذارد در نهایت هم وقتی در سالن می‌نشینی و آن رانگاه می‌کنی، می‌بینی فیلم شریفی است. من تجربه کردن را دوست دارم این‌جوری که معلوم است اگر در سال ۹۱ فیلمی بسازم که ۲۲ نخواهم داشت، مگر برخلاف پیش‌بینی‌ها انفاق غیرمنتظره‌ای بیفتد.

«روی دیگری» می‌بینید. درباره معرفی کردن خودتان است؟

این برگشت نیست. ابراز عقیده است به زبان موسیقی. ما این آلبوم را خیلی دوست داریم کاری کنیم فیلم لول از اینکه در سینماها این تشتت پیش بیاید و اهالی سینما جدا جدا از شنوند و عدم امنیت سرمایه‌گذاری که تهیه کننده‌ها با آن روبه‌رو شدند، پیش بیاید. رفتی که از سینما گرفته شد سبب شد در سینما کار نکنیم. ممکن بود که این آلبوم در شرایطی بیرون می‌آمد که من شش تا فیلم روی پرده داشته باشم. اگر سناریو خوب باشد، جرا اجرای نکنم. من الان مدتهاست سناریویی نخواندم که به دیگری بگوید تو شخص دست‌ش بزن. برمن. شاید هم اینها را جواب نکنم. من الان دو فیلم و یک اپیسیش آماده پخش دارم. پل جیبی و تهران ۱۵۰۰ و رانیوم ناکام که انفاقا خیلی هم دوستش دارم.

به نظر می‌آید آدم‌ها و فضایی که در هنگام ساختن فیلم به وجود آمده در این دوست دانستن‌های شما تاثیر دارد. شاید هم تجربه‌های جدید مثلا مرد آب‌ابی برمنه؟

مجموعه همه اینهاست. نمی‌توان تنها از یک منظر نگاه کرد. عوامل طول دوران فیلمبرداری، پشت صحنه‌ها و در پشت صحنه در دوست دانستن فیلم تاثیر می‌گذارد در نهایت هم وقتی در سالن می‌نشینی و آن رانگاه می‌کنی، می‌بینی فیلم شریفی است. من تجربه کردن را دوست دارم این‌جوری که معلوم است اگر در سال ۹۱ فیلمی بسازم که ۲۲ نخواهم داشت، مگر برخلاف پیش‌بینی‌ها انفاق غیرمنتظره‌ای بیفتد.

همیشه یک اما و اگرهایی هست که پیش‌بینی‌ها را به هم می‌زند.

همیشه هرچه می‌شود خیر باشد، بی‌نهایت تشنه یک نقش تازه‌ام. یک فیلم خوب.

خوب، یعنی حرفه‌ای بودن یا جمع دوستانه یا...

حرفه‌ای بودن به معنای پیر بودن نیست. حرفه‌ای بودن به معنای دانستن تفکر است. انفاقا خیلی دوست دارم با جوان‌ها کار کنم. خوب بودن سناریو هم هست که وقتی می‌خواهم بنویسم با نقش ارتباط برقرار کنم. مجموعه این اما و اگرهاست وگرنه در مسیری که پیش‌رو می‌بینم تا مدتی انفاقی نخواهد افتاد. فیلمی برای نخواهم کرد. تا دوگذار طی شود البته اگر این گذر را آرامی داشته باشیم. امیدوارم!

اگر جزاز سناریو هم دارید، برای شما نوشته شده است؟

من از یک مدتی شروع کردم به که از پایه بیفتم یعنی سناریوی خوب ولی خودم هیچ تجاربی در بازی کردن نقشی در آن ندارم من می‌خواهم فیلم خوب ساخته شود و من هم بهم‌بیایم.

به عنوان تهیه‌کننده؟

آن بحث عنوانش نیست. نوتا سناریو یا ویژگی‌های کاملا متفاوت دوست خوبم ام‌پارفیلی‌زاده؟ «نوشته که اولویت دارد یک هنگه» هم آینه شما بخواهید، یک سناریو هم رابهرام توکلی- خوشبید نیمه‌شب- یک سناریو هم خسرو نقیبی - سفارت- همه اینها آماده است. یک سناریوی طنز سریال خنگی هم هست که زحمت آن بر عهده «نزگمهر ایلوم کودکانه در سال ۹۲ به کارگردانی بهروز غریب‌پور بود که مدیری، خوشن ترانه‌هایش را در عهده گرفته بود ولی سیبی کلسنی به نام «لنتگی‌ها» را به بازار فرستاد که در آن انعار هاتفعلی مرغ‌ی را دکلمه کرده بود. آلبوم «از روی ساده‌گی» با موسیقی زنده‌یاد بلبک بیات و فریدون خلعتبری‌زیگر کار مدیری در این حوزه است. این بازیگر و کارگردان سرشناس آن را ۸۲ به بعد خوانندگی نیتراژ چندین فیلم و سریال، همچون سریال‌های «مهر و ماه»، «شب‌های برره»، «باغ مظفر» و فیلم «هوشنگ» (مهدی قطب‌زاده) را تجربه کرد. مدیری سال ۱۳۸۷ به گوه «موسیقی کوچه‌های «تاکو» پیوست و کنسرت بزرگی را به همراه این گروه و سه خوانده دیگر برگزار کرد حتی در یکی از این کنسرت‌ها به دلیل بیماری نتوانست به روی صحنه رفت. جهاد نیز یکی از اعضای گروه «تاکو» است که در آن علاوه بر خواندن موسیقی‌های محلی به صورت پاپ هم خوانندگی می‌کند. در سال زندگی تشکیل گروه «تاکو» قرار بود محدرضا گلزار نیز در این جمع حضور داشته باشد که این اتفاق نیفتاد. بهداد در آلبوم ساعت ۵۵ شب را بنزاتی نیز به عنوان خواننده میهمان حضور خواندن است حیایی هم به تاکل در دو قیلم «سرود تولد» و «هوی بهشت» خوانندگی کرده است. قرار بود چندی پیش در کنار اعضای گروه «تاکو» یک کنسرت هم اجرا کند که دلیل دگرگری‌های بازیگرانی، موفق به انجام آن نشد.

شب می‌خوابند و صبح خوانده می‌شوند

کامبیز روشن‌روان

موسیقی یک علم است و برای ورود به آن فرد باید دلش الان است و بعد تلاش به تنهایی کسانی که وارد این عرصه می‌شوند در مقام نوازنده، آهنگساز یا خواننده باید علم آن را داشته باشند. ورود هنرپیشگان به عرصه موسیقی هم از این قاعده مستثنی نیست. هر یک از ما اگر کار خود را در استجام انجام بدهیم ممالکت گلستان می‌شود.

اگر واقعا هرکس تخصص خود را بیاموزی کند کارها به شکل صحیح‌تری انجام می‌گیرد؟ یا کیک شاخه هنری به شاخه‌های دیگر بپروم و بدون آنکه تخصص لازم را داشته باشیم و به هنرهای گوناگون وارد شویم. موسیقی یکی از علوم زمانه است و تمام دست‌اندرکاران این علم باید تخصص داشته باشند. اما متاسفانه جو جامعه ما اقتضا می‌کند افرادی که در این رشته تخصصی ندارند هم، آهنگی بسازند یا خواننده‌گی کنند.

فرض کنید هنرپیشه‌ای در سریالی می‌درخشد و محبوبیت می‌یابد این شخص به دلیل جوی که پیرامونش وجود دارد و تحت‌تاثیر القائات اطرافیان و طرفداران فکر می‌کند که اگر وارد عرصه خوانندگی هم شود موفق است. در نتیجه در هرسال‌های بعدی می‌بینیم که این فرد کم‌کم اصلاح می‌شود و بعد از مدتی هم آلبومی از او منتشر می‌شود به نظر من همان‌طور که یک موسیقیدان وارد عرصه سینما یا پزشکی نمی‌شود هنرپیشه‌ها هم نباید وارد عرصه موسیقی شوند مگر اینکه علم موسیقی را داشته باشند و تخصص‌های لازم را کسب کرده باشند. ورود هنرپیشگان به عرصه موسیقی ورود افراد غیرمتخصص به حرفه‌ای است که موسیقی‌ای ویژه‌ای دارد. تنها نتیجه اینکه هرکسی تصور کند شب بخوابد و صبح بیدار شود تبدیل به یک سوپر استار این است که موسیقی کشور رو به روز به ابتذال بیشتری کشیده خواهد شد.

عبدالحسین مختاباد

قانونی قطعی و مدون برای نحوه ورود افراد به عرصه موسیقی وجود ندارد و ورود هنرپیشگان یا سایر افراد به موسیقی در تمام دنیا می‌دهد. در حقیقت گوش‌های افراد از سینما به موسیقی و از موسیقی به سینما در تمام دنیا امری طبیعی است و فضاوت را در مورد یک اثر باید به مخاطبان بدهیم. امروز ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که همه چیز را اقتصاد تعیین می‌کند. اقتصاد می‌گوید اگر بتوانی بیشتر بخچال را پر کنی، بفروشی و بیشتری بخاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در زمینه موسیقی هم می‌توان بدون اطلاع از قواعد موسیقی و با استفاده از تبلیغات برای مدتی سر زبان‌ها افتاد اما انتهای کار به نفع کسانی خواهد بود که با علم وارد این عرصه شده‌اند. هنر عرصه‌ای نیست که بتوان با پول و تبلیغات در آن ماندگار شد. گاوراین افراد مختلف به موسیقی علل گوناگونی دارد. اولین علت این است که موسیقی یکی از جذابترین هنرهای زندگی بشر است. می‌توان در هر لحظه از زندگی با موسیقی ارتباط برقرار کرد. در خلوت و تنهایی، هنگام رانندگی، سرکار، خواب و حتی خاصه تمام لحظات زندگی را می‌توان با موسیقی پر کرد. برای همین است که در دنیا دهسا رسانه به طور ۲۴ساعته موسیقی پخش می‌کنند. جذابیت و طرفداران زیادی که این هنر دارد باعث می‌شود گرایش مردم به آن نیز افزایش یابد. از سوی دیگر پیشرفت‌های تکنولوژیک شرایط این هنر را تغییر داده است. امروز دیگر نیاز به یک کامپیوتر و صفر هزینه و زمانی بسیار اندک آهنگی تنظیم کرد و حتی شعری خوب که به گوش شنونده و از آبسان رفته و طراحی صحنه خوانده بعد از آن البته ماجرا این شد که چهار سال دلزدگی از سینما برپا بیشتر بیاید و از آن دوری کنم. نتیجه اینکه دلم‌نمی‌خواهد بازیگری برایم آخرین راه باشد و زندگی‌ام را از راه آن تامین کنم. شاید بتوانی در جای دیگری آنچه خوب باشی که عاشقانه آن را انجام دهی از هنر کار حرفه‌ات دنبال کنی البته دنبال کردن هنرهای دیگر به وسیله بازیگران دلایل

بازیگران و وسوسه پریدن به هنرهای دیگر

شهرزاد همتی

در دنیای هنر همیشه هستند کسانی که پس از موفقیت در یک رشته هنری، وسوسه شده‌اند، زمانی دیگر آن را نیز تجربه کنند. گاه این وسوسه به دلیل وحشت از یک بدوه شدن است و گاه به دلیل آرمای حس روحی هنرمندی که انگار هنوز در دنیای ناتمام هنر افراغ نشده. بازیگران ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. چه آنهایی که پس از خاک حسه خوش و تجربه بازیگری در تئاتر و سینما به حرفه‌های دیگری روی می‌آورند؛ خوانندگی، نقاشی، طراحی صحنه، نویسندگی و گاهی هم روزنامه‌نگاری. اینکه آیا چقدر در این راه جدید موفق هستند بستگی به نوع پذیرش آنها میان مخاطبین عادم دارد. مخاطبی که روحیه سازه‌پروری داشته و به محض رویه‌روشدن با یک اثر جدید از هنرمند محبوبش در تاثر متفاوت و به اطمینان می‌کند. فهرست حضور بازیگران ایرانی در این ماجرا بلندبالاست و قضاوت درباره موفقیت یا عدم موفقیت آنها با مردمی است که به آنها اطمینان می‌کنند. شاید آن فهرست از سازگرانی اعضا محدودتر باشد. فهرست موفقیت در این زمینه‌ها از سازگرانی اعضا محدودتر باشد. فهرست موفقیت آن‌چه بازیگر مشهوری در سینماست یولی هیچ‌گاه از موسیقی دور نبوده است. همین ازدیجه‌شناسه سال ۹۰ بود که سایت‌های خبری عکس‌های جالبی از حضور او در تمرینات کنسرت علیرضا عصار منتشر کردند. ماجراهایه فیلم در شماره فروردین سال ۸۷ خود درباره سابقه خوانندگی فروتن می‌نویسد: صدای محمدرضا فروتن در فیلم شب بلدا (کیومرث پوراحمد) بیشتر از هر فیلم دیگرش به چشم آمد. موسیقی فیلم شب بلدا قبرا بود با صدای فروتن روایه بازار شود که این اتفاق تا حالا نیفتاده است. با این وجود خیلی از علاقه‌مندان موسیقی این فیلم را از طریق دانلود کردند. ظاهرا دو بازیگر پیشنهاد داده بودند که روی ترانه‌هایی دیگری هم خوانندگی کند. اما این اتفاق نیفتاد. در نهایت آن موقع بررسی کرد و گفت چه کار کرده است. هیچوقت نتی‌تون گفت یک هنرمند انتظار شده است. هیچیه موفقیت نمی‌تون گفت یک هنرمند انتظار شده است. هیچیه موفقیت نمی‌تون گفت یک هنرمند انتظار شده است. هیچیه موفقیت نمی‌تون گفت یک هنرمند انتظار شده است. ۶۰ سالگی یا یک نقش ویژه به اوج بازگرد. با برعکس یک بازیگری قوی‌الاهام است. اما اواخر عمرش این قدر بد بازی کند که از اوج فاصله بگیرد این خاصیت هنر است به کمال رسیدن دلی است. خداتکند. هیچوقت از اوج و جاطلبی از من گرفته شود که فایق بود. معتقدم اگر قانع به همان چیزی که دارید بشوید یک کفر وقاحی است. خدا می‌گیرد همین؟ من این همه انگیزه نعمت و گلشنه‌ام از آن وقت تو به داشتن این حداقل‌ها قانع هستی. حریص بودن و عشق داشتن به زندگی و خلقش همیشه باید وجود داشته باشد. حتی می‌گویند که دنیا بیدار می‌شود که آدم کوچک‌ترها همه را به حال در دو قیلم «سرود تولد» و «هوی بهشت» خوانندگی کرده است. قرار بود چندی پیش در کنار اعضای گروه «تاکو» یک کنسرت هم اجرا کند که دلیل دگرگری‌های بازیگرانی، موفق به انجام آن نشد.

نقد گرایش سینمایی‌ها به موسیقی

پشتوانه‌ای برای ماندن در اوج نیست

نیره توکلی
جامعه‌شناس

■ در جامعه امروز ما تخصص حرف آخر را می‌زند و می‌ما دیگر عادی است که در فرانتس تحمیلکرده رشته فلسفه سوربست بخش کامیوتر، فراغ‌التحصیل رشته نقاشی سربرست تیم دوچرخه‌سواری و خلبان بازنشسته سربرست بخش ورایرش شوند. در کل صلاحیت و سرتوشت کلیو اکادمیک را افراد غیرآکادمیک تشخیص دهند و تعیین کنند. اما من بضشدت با اینکه پدیده اجتماعی و امر اجتماعی را با پدیده غیراجتماعی تبیین کنیم؛ مخالفم. زیرا از زمانی که بنیه‌بردارال مهم قون نوزدهم مانند «هربرکیم» و «فراکس» بنیه تبیین‌های تک‌علتی جغرافیایی، نژادی، روانی، غریزی و جسمی را زنده‌اند این تبیین‌های تک‌علتی با فقط زوزنایسی (vibration) بلکه در تحریر (Fit) و تبیین‌های دینامیکی صدا تاکید دارد. صدای آقای رادان در محدوده F#4 تا F2 در گروه باس باریتون طبقه‌بندی می‌شود (تا D2 را هم می‌توانند اجرا کنند) کنترل دینامیک صدا در ایشان بسیار بالاست. اجرای‌های نرم و قوی صدا به راحتی در کنار هم اجرا می‌شوند و فرمی جذاب را در موسیقی ایجاد می‌کند. تعداد زیادی از مخاطبان جدی موسیقی در ایران، مشتاقه از موسیقی مردمی در داخل کشور دلسرد شده‌اند. و انتشار آلبوم‌های جدید و انتقال‌های موسیقی مردمی را برای ایران دنبال نمی‌کنند. همین‌طور، تعداد زیادی از ایرانیان مقیم خارج از کشور، فرزندانی از ایران را شامل می‌شوند که به موسیقی فارسی زبان علاقه‌مند نیستند اما خوشبخته به این همت بدست همه هنرهای که از انتشار «روی دیگر» هستم. تمامی‌های دلگرم‌کننده زیادی داشته‌اند که کمال کم‌بخش کوچکی از توجه این گروه خلوص به «روی دیگر» است. امکان ارتباط‌های سایبری با مخاطب از نقاط مختلف، تجربه بسیار هیجان انگیزی بود که بعد از انتشار «روی دیگر» برایم اتفاق افتاد.

خوشبختانه تا حالا «روی دیگر» برای شنوندگان جذاب بوده‌اند و به هر حال منتقدی هم داشته است. میل به شنیدن و ارائه تجربه‌های جدید همیشه برایم نیازی درونی بوده است. گروهی از شنوندگان که از تجربه‌های نو استقبال می‌کنند خوشبخته کم نیستند. احساس نیاز به شنیدن ترکیب‌های صدایی و ساختاری باعث تولد فرم‌های نو و موسیقی‌ایی برای خواهد شد. تا این عطش وجود نداشته باشد، چنین تغییراتی رخ نخواهد داد. «روی دیگر» سعی کرده بر زمین از عدم استقبال مخاطب دلیلی برای خواستسوری نباشد یا انتظار از اداره ارزشیابی موسیقی به خوشبخته به اطلاعات کرد و در نهایت تصمیمی گرفتایم که عملی به آن اعمال داشته‌ایم؛ احترام به شعور خود و شنونده. روی دیگر، ترکیبی از خواگاه و ناخودآگاه و فهم من از زندگی است.

بازیگران برایم آخرین راه نیست

ویشکا آسایش

وقتی با سریال «امام علی (ع)» وارد دنیای بازیگری شدم، ویژا و شرایط تصویری از کار کشور همچنان ساده بود. اما به قدری مسحور بازیگری و لذت آن شده بودم که تقریبا قید همه چیز را زده بودم که بمانم و بازیگر باشم. هر چند بزرگان بازیگری چون «داریوش ارجمند» و «خسرو گرمسیری» که در این سریال افتخار همکاری با آنها را داشتم، تاکید می‌کردند که دارم بزرگ‌ترین اشتباه زندگی‌ام را مرتکب می‌شوم. هیچ خوب بود که به آن گوش نمی‌کردم و از آبسان رفتم و طراحی صحنه خواندم. بعد از آن البته ماجرا این شد که چهار سال دلزدگی از سینما برپا بیشتر بیاید و از آن دوری کنم. نتیجه اینکه دلم‌نمی‌خواهد بازیگری برایم آخرین راه باشد و زندگی‌ام را از راه آن تامین کنم. شاید بتوانی در جای دیگری آنچه خوب باشی که عاشقانه آن را انجام دهی از هنر کار حرفه‌ات دنبال کنی البته دنبال کردن هنرهای دیگر به وسیله بازیگران دلایل

دیگری برای برخی از بازیگران وجود دارد و بازیگران با سایر افراد به موسیقی در تمام دنیا می‌دهد. در حقیقت گوش‌های افراد از سینما به موسیقی و از موسیقی به سینما در تمام دنیا امری طبیعی است و فضاوت را در مورد یک اثر باید به مخاطبان بدهیم. امروز ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که همه چیز را اقتصاد تعیین می‌کند. اقتصاد می‌گوید اگر بتوانی بیشتر یخچال را پر کنی، بفروشی و بیشتری بخاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در زمینه موسیقی هم می‌توان بدون اطلاع از قواعد موسیقی و با استفاده از تبلیغات برای مدتی سر زبان‌ها افتاد اما انتهای کار به نفع کسانی خواهد بود که با علم وارد این عرصه شده‌اند. هنر عرصه‌ای نیست که بتوان با پول و تبلیغات در آن ماندگار شد. گاوراین افراد

گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند

عبدالحسین مختاباد

مختلف به موسیقی علل گوناگونی دارد. اولین علت این است که موسیقی یکی از جذابترین هنرهای زندگی بشر است. می‌توان در هر لحظه از زندگی با موسیقی ارتباط برقرار کرد. در خلوت و تنهایی، هنگام رانندگی، سرکار، خواب و حتی خاصه تمام لحظات زندگی را می‌توان با موسیقی پر کرد. برای همین است که در دنیا دهسا رسانه به ط